

فیلسوفان بد کردار

نایجل راجرز، مل تامپسون
ترجمه احسان شاه قاسمی
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران



فهرست

۷	مقدمه مؤلفان برای نسخه فارسی کتاب
۱۵	هشدارنامه!
۱۷	پیشگفتار
۲۵	ژان ژاک روسو: فیلسوف به مثابه قربانی
۵۵	آرتور شوپنهاور: بوداسف نامحبوب
۸۱	فریدریش نیچه: ابرانسان بیمار
۱۱۷	برتراند راسل: ریاضیات رفتار انسانی
۱۵۷	لودویگ ویتگنشتاین: خشم و ریاضت‌کشی
۱۸۷	مارتین هایدگر: ساحر، شکارچی، دهاتی و نازی
۲۱۷	ژان پل سارتر: استبداد روشنفکری، جذابیت و بددینی
۲۴۵	میشل فوکو: جنون، سکس و تنبیه
۲۶۹	پس‌گفتار
۲۷۳	برای مطالعه بیشتر

ژان ژاک روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۸) فیلسوف به مثابه قربانی

«خداوند همه چیز را کامل آفرید اما انسان در آن ها دست برد و آن ها را
ویران کرد».
ژان ژاک روسو، امیل

«انسان آزاد آفریده شد اما امروز در همه جای دنیا در زنجیر است». ژان ژاک روسو با این فراخوان به انقلاب - سیاسی، فرهنگی و اجتماعی - تبدیل به قدیس حامی انقلاب فرانسه و انقلاب های رمانتیک شد. نفوذ روسو از زمان مرگش تا امروز گسترده بوده است. ژاکوبین های تندرویی مثل روبسپیر^۲ او را به دلیل نقد و طرد کردن جامعه فاسد و مفهوم اراده عمومی^۳ که خود را به روشی پیچیده در گردهمایی های بزرگ می نمایاند، می ستودند. روسو برای کسانی که از دیکتاتوری های تندروی چپ یا راست خوششان می آید، یک قهرمان مسلم است؛ برای بقیه، چه لیبرال باشند چه محافظه کار یا شک گرا، روسو یک ملعون است. مهم تر از آن اصرار او به سلامت

-
1. Jean-Jacques Rousseau
 2. Robespierre
 3. General Will

انسانیت پیش از فاسد شدن به وسیله تمدن است که البته این اظهارات کمتر نقد شده است. این حرف او اثر بسیار مهمی به خصوص بر روی نگرش های آموزشی و بزرگ کردن کودکان و باورها در مورد مسئولیت فردی داشته است. امروز، هر معلمی که به جای تلاش برای منتقل کردن دانش و افکار موجود به کودکان، آن ها را آزاد می گذارد تا هر چه می خواهند بکنند و خودشان را ابراز کنند، در حال تجربه اثرات افکار روسواست. به همین ترتیب، هر مجرمی که به جای اینکه مسئولیت جرم خود را بپذیرد، می گوید تنها قربانی جامعه بوده، ناخودآگاه حرف های روسورا تکرار می کند که می گفت هر فرد به دلیل عشق به خود بالذاته معصوم است و فقط محیط بد باعث می شود که او به سمت اعمال بد برود.

اما مردی به نام روسو، انقلابی دوستدار طبیعت که تمدن قرن هجدهم و قرون پیش از آن را نفی می کند و برای بازگشت به طبیعت دلتنگی می کند، زندگی ای داشت که تناسب چندانی با زندگی قهرمانانه و معصومانه طبیعی نداشت. برای دانستن این واقعیت در زندگی او لازم نیست که خیلی زندگی اش را واریسی کنیم چرا که او در کتاب اعترافات^۱ خود همه اطلاعات لازم را در اختیار ما قرار داده است. این کتاب یک خود-توجیه-گری و یک رنجنامه است که ظاهراً به طرز بی سابقه ای صادقانه نوشته شده و به لحاظ ادبی یک شاهکار محسوب می شود. البته این کتاب به آن اندازه که روسو ادعا می کند صادقانه نیست. برای کسی که آشکارا نابرابری عصر خود را رد می کند، روسو نمونه شخص قابلی است که اغنیا و زورمندان درکش می کردند. البته روسو مکرراً دست اشراف و مخصوصاً زنانی را که به او غذا دادند و او را نواختند گاز گرفت. بدتر از آن - البته شرایط بد روسورا نباید از نظر دور داشت - فیلسوفی که خود در مورد اهمیت تربیت خوب برای بچه ها تأکید می کرد، با بی رحمی تمام، همه پنج کودکش را به یتیم خانه سپرد و همان طور که در همه یتیم خانه های آن دوران رایج بود، بیشتر آنان بعد از مدت کوتاهی مردند. حتی براساس استانداردهای قرن هجدهم، این یک رفتار بی صفتانه و منافقانه بود.

روسو مدت کوتاهی پس از مرگش، در میان مردم و حتی در میان اشراف